

شاخصه های بهره گیری از مبانی هنرهای تجسمی در طراحی معماری های ایرانی

سیده معصومه موسوی^۱

^۱ لیسانس هنرهای تجسمی جهاد دانشگاهی واحد رشت

چکیده

هنرهای تجسمی که به آن ها هنرهای بصری نیز گفته می شود؛ در حال حاضر و در کاربرد کنونی، شامل هنرهای زیبایی و هنرهای کاربردی است. کادر، رنگ، ترکیب، نور، حاشیه و قاب از جمله عناصر مبانی هنرهای تجسمی هستند که هنرمندان برای خلق آثار زیبا باید آن ها را فرا بگیرند. به زبانی ساده به هنرهای حاوی زیبایی و کاربردی که دیده می شود، هنرهای تجسمی گفته می شود. وجود عناصر و ترکیبات گوناگون در هنرهای بصری سبب گردیده تا معماران در طراحی ساختمان ها برای افزایش زیبایی، خلاقیت و شکوفایی فضا از آن ها بهره بگیرند. بنابراین در این مقاله با روش تجزیه و تحلیل کتابخانه ای-مروری ابتدا به بررسی کتب، پایان نامه ها، پایگاه های الکترونیکی و یافته های مقالات انجام گرفته در زمینه شاخصه های بهره گیری از مبانی هنرهای تجسمی در طراحی معماری های ایرانی پرداخته و سپس مفاهیمی از هنرهای تجسمی و عناصر آن را بیان کردیم. نتایج بررسی ها حاکی از آن بود که هنرهای تجسمی شامل مجسمه سازی، معماری، گرافیک، هنرهای تزئینی و برخی از صنایع دستی هستند که با طراحی و معماری ساختمان ها بر اساس مبانی هنرهای تجسمی می توان بر زیبایی آن ها افزود. رعایت اصول مبانی هنرهای تجسمی از جمله عناصر بصری مثل نقطه، خط، سطح، و غیره و همچنین کیفیات بصری مثل تناسب، تعادل، حرکت، ریتم و تباین باعث می شوند میزان خلاقیت و زیبایی فضای محیطی چندین برابر گردد.

واژه های کلیدی: هنرهای تجسمی، معماری، زیبایی شناسی، مبانی هنرهای بصری

مقدمه

هنر در معنای عام خود شامل تطبیق دانش و معرفت نظری به وسیله عمل انسان که هوش انسان برای تطبیق در طبیعت به کار می‌گیرد تا مواد اولیه طبیعی را به اشیا و اجزا مهم و کاربردی تبدیل کرده و نیازهای خود را برطرف سازد. به عبارت دیگر هنر وسیله‌ای است برای شناخت علم و نقش قوه خیال در هنر بیش از علم است و نقش تعقل و انتزاع، در علم بیش از هنر است. درواقع هنر تجلی تازه‌ای است که پیکار دائم انسان‌ها با طبیعت برای شناخت بیشتر که هر لحظه در آن پدیده تازه‌ای فراهم می‌آید. براین اساس هنر پدیده‌ای است که هنرمند پدید می‌آورد و به هر یک از فعالیت‌های نقاشی، طراحی، سفالگری، مجسمه‌سازی، معماری، عکاسی، تئاتر، سینما، موسیقی، ادبیات و غیره هنر گفته می‌شود (نقوی، ۱۴۰۲). هنرهای تجسمی که به آن گاهی هنرهای بصری یا دیداری نیز گفته می‌شود، آن گروه از هنرهای مبتنی بر طرح است که به طور مشخص حس بینایی را مخاطب قرار می‌دهند، هنرهایی مانند نقاشی، مجسمه‌سازی، طراحی، عکاسی، گرافیک، طراحی صنعتی، معماری و طراحی داخلی و همچنین هنرهای مشتق از آن‌ها در زمره هنرهای تجسمی محسوب می‌شوند (ابراهیمی، ۱۴۰۲). هنرهای تجسمی از گذشته‌های دور، چه آن زمان که با اهداف کاربردی خلق می‌شدند و چه آثاری که امروزه هنرمندان، مفاهیمی درونی و انتزاعی را با درکی زیبایی‌شناسانه خلق می‌کنند؛ همگی براساس اصولی مشترک به ترکیب‌بندی عناصر هنرهای دوبعدی و سه‌بعدی می‌پردازند (یوسف‌نژاد بارفروش، ۱۳۹۶). هنرهای تجسمی در دنیای امروزی بر خلاف دوران گذشته یکی از مسائل فنی و فرعی زندگی مردم نیست بلکه رسالتی است که در دنیای مدرن مطرح گردیده و به همه‌ی توده‌ها و اقشار جامعه توسعه و تعمیم پیدا کرده است (نیکو، ۱۳۹۹). از طرفی تمام هنرهایی که به صورت بصری ارائه یا دیده می‌شوند و با تصویر سروکار دارند، دارای اصول و مبانی مشترک هستند که مبانی هنرهای تجسمی نامیده می‌شود. ایجاد آثار هنرهای تجسمی و خلق آن‌ها نیاز به یک شناخت اولیه از اصول و مبانی هنرهای تجسمی یا هنرهای بصری دارد (صادقی، ۱۳۹۵). امروزه ارتباط هنرهای بصری با یکدیگر در گستره‌ی زندگی بشر غیرقابل انکار است و باید به دنبال حرکت هنرهای بصری و تجسمی در شاخه‌ی معماری بود یا به عبارتی باید گفت چگونه تحولات و انواع هنرهای تجسمی با بکار گرفتن خلاقیت و در اختیار گذاردن امکانات نوین می‌تواند برای رساندن مفهوم جدید در معماری حرکت کنند (فیروز، ۱۴۰۱). هنر معماری از دیرباز پس از ایجاد سرپناهی امن در پاسخ به اساسی‌ترین نیاز زیستی بشر، با در نظر گرفتن نیازهای روحی- روانی و معرفتی- متعالی وی همواره به دنبال خلق فضایی کارآمد برای تداوم حضور انسان و در مراتب بالاتر، تجربه سطوح والاتری از وجود به واسطه خلاقیت و خودشکوفایی در آن فضا بوده است (احمدیان حسینی، ۱۴۰۰). به طوری که از میان شاخه‌های گوناگون هنر اسلامی، معماری دارای جایگاه ویژه‌ای است. آثار برجای مانده از هنرهای تزیینی در ابنیه اسلامی، مخصوصاً در اماکن مذهبی، نظیر مساجد واجد روحیات منحصر به فرد و ژرفای تجسمی هستند (ابوالقاسمی، ۱۳۹۶) و این ساخته‌های معماری در طول تاریخ از جمله منابع مادی برای شناخت تاریخ هنر و معماری هستند. این معماری‌ها و تزئینات مربوط به آن، بستری مناسب برای حضور عناصر تجسمی مختلف فراهم آورده است (نوذری، ۱۴۰۱).

رضوی و عبداللهی فرد (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان لزوم بیان مبانی و اصول هنرهای تجسمی در طراحی داخلی پی بردند که از آنجایی که خط، رنگ، نور، بافت، فرم، فضا از جمله مبانی هنرهای تجسمی هستند و وحدت، تضاد، تناسب، تعادل و ناپایداری، هماهنگی، تنوع و یکنواختی، ریتم نیز اصول هنرهای تسجیم را تشکیل می‌دهند که با فراگیری این اصول می‌توانیم در فضای معماری با انتخاب هوشمندانه این عناصر، فضای کسالت‌آور و یکنواخت محیط را به مکانی دلنشین و روح‌بخش تبدیل کنیم.

یافته‌های مطالعه مدیرشانه چی (۱۳۹۲) با عنوان معماری داخلی و نقش عناصر و مولفه‌های هنرهای تجسمی در آن حاکی از آن است که کاربرد حرفه‌ای عناصر بصری مانند نقطه، خط، سطح، بافت، حجم و رنگدر در طراحی داخلی، باعث ترسیم فضاهای دوستانه، رسمی، پرنشاط، سرزنده، رویایی، آرام‌بخش، اعتمادبرانگیز و غیره می‌گردد.

در تاریخ بزرگ ایرا به ویژه در دوران اسلامی، نقوش نمادین در ماهیت و محتوای غنی هنر و فرهنگ ایرانی-اسلامی، جایگاه بسیار بیشتری نسبت به زیبایی صرف ظاهری و نمایشی داشته است. نقوش تزئینی در هنر و معماری دوران مختلف که برگرفته از مبانی هنرهای تجسمی است؛ از نظر مبانی اعتقادی، شکل، رنگ، ساختار، زیباشناسی، توسعه و تکامل زیادی یافته و نشان‌دهنده باورها و اعتقادات غالب مردمان در طی دوران اسلامی می‌باشد (اسمی، ۱۴۰۲). تزئینات اعم از نقاشی دیواری، گچ‌بری، طلاکوبی، به معماری لطافت، ظرافت و زیبایی خاصی می‌بخشند. نقوش تزئینی در معماری ایجاد بعد، پرسپکتیو، ریتم کرده و شکل‌های معماری را با هم ترکیب و هماهنگ می‌کند. با بکارگیری درست تزئینات، فضاهای معماری جدا، تشدید یا تلفیق می‌شوند. بنابراین، تزئینات وابسته به معماری در همان جایی که بکار رفته دارای ارزش تحلیلی است ولی باید گفت که ارتباط بین معماری و تزئینات چنان وابسته و تنگاتنگ است که یکی بدون دیگری فاقد ارزش واقعی است (قاسمیان، ۱۳۹۷). بنابراین در این مقاله به بررسی شاخصه‌های بهره‌گیری از مبانی هنرهای تجسمی در طراحی معماری‌های ایرانی پرداختیم.

مبانی نظری

هنرهای تجسمی

هنرهای تجسمی که هنرهای بصری نیز نامیده می‌شوند؛ همان‌گونه که از نامشان برمی‌آید، ادراک و احساسشان توسط انسان بیشتر از طریق حس بینایی انجام می‌گیرد، اگرچه حواس دیگر نیز در دریافت و ادراک اینگونه هنرها، سهم مهمی دارند. عناصر بصری که در هنرهای تجسمی، شامل نقطه، خط، سطح، حجم، نور، شکل و رنگ و بافت می‌باشد، در واقع، با توجه به کیفیات بصری (تعادل، تناسب، تباین، حرکت و ریتم)، ترکیب‌بندی شده و سبب خلق زیبایی و نظامی خوشایند می‌شوند (حلیمی، ۱۳۸۳). قبل از قرن نوزدهم هنرهای تجسمی به طور خاص به نقاشی، طراحی، مجسمه‌سازی، معماری و گرافیک، هنرهای تزئینی و برخی صنایع دستی اشاره می‌کردند. بعدها با اختراع عکاسی و سینما و توسعه صنعت گرافیک، انیمیشن و تصویرسازی به آن اضافه شد (جواهری‌پور و همکاران، ۲۰۲۱). هنرهای تجسمی شکلی از هنرند که آثاری را ایجاد می‌کنند که در درجه اول بصری هستند، مانند سرامیک، نقاشی، مجسمه‌سازی، چاپ، طراحی، صنایع دستی، عکاسی، ویدیو، ساخت فیلم و معماری و همچنین شامل هنرهای نمایشی مانند تئاتر درام و رقص و هنرهای کاربردی مانند صنعتی، گرافیک، مد داخلی و طراحی تزئینی است (کانوی، ۲۰۱۹). هنرهای تصویری (دیداری) یکی از زنده‌ترین و گویاترین زبان‌ها است. ارتباط بصری و درک مفاهیم را ارتباط بی‌کلمه و یا زبان بی‌کلام می‌نامیم. هنرهای تجسمی، عالی‌ترین تجلیات زبان بصری شمرده شده و یکی از مهم‌ترین زبان‌های بی‌کلام است که از طریق آن بیشترین و گسترده‌ترین مفاهیم توسط افراد جوامع مختلف انسانی دریافت می‌شود (فرازمند و همکاران، ۱۳۹۸).

عناصر بصری

نقطه

یک نقطه دارای انرژی تصویری است و هرگاه برای قوه بینایی مطرح شود و ادراک گردد، موجودیت خود را اعلام کرده است و در ضمن هرگاه شروع به رشد نماید، جلوه خط یا عناصر دیگر را به خود می گیرد. به عبارت دیگر نقطه موجودی است جاندار و دارنده روح که دارای انرژی بصری است. به دلیل ارتباط مابین این نقاط، چشم از نقطه ای به نقطه دیگر در حرکت است و همچون ایستگاهی، محل استراحت، آرامش، تعادل و انتقال انرژی به نقاط دیگر نقش محسوب می شود. درک بصری نقاط در نقوش به واسطه فاصله کوتاه مابین نقاط، باعث افزایش سطح پیوستگی و انرژی موجود در بین نقاط و ایجاد جریانی پیوسته در کل نقش می شود. نحوه قرار گرفتن نقاط در نقوش هندسی بسیار متفاوت از نقوش اسلیمی و ختایی است و بسیار قانونمندتر و یکنواخت تر از نقوش اسلیمی به نظر می رسد.

خط و حرکت

خط نمودار زمان در یک اثر هنری است و این زمان حد گذشته و حال است و هنوز آینده ای ندارد؛ زیرا از آغاز حرکت نقطه تا هنگام توقف و ایستایی اش، زمانی را در بر می گیرد که گذشته است و تنها هنگامی می تواند آینده ای را القا کند که ادامه آن و حرکت نقطه زائیده آن دوام داشته باشد. یعنی نگرنده حس کند که خط متوقف نشده و ممکن است تا بی نهایت روان باشد. تنها خطی می تواند چنین ویژگی را ارائه کند که از محدوده اثر فرا گذرد و بیننده را در فضا شناور کند. بنابراین خطی که مرز اثر را می برد و احساس فراگشتن از آن را ایجاد می کند، بیانگر اندیشه آینده است. چنین است که در آثار اسلامی و به ویژه در گنبد ها و اطراف تاق ها و سردرها خطوط هرگز متوقف نمی شوند و چنان به کار می رود که گویی آغاز و فرجامش در فضا است و بیننده را به تعلیق و شناوری در فضا می کشاند و به سوی حق راهبری می کند.

سطح

سطح در نقوش هندسی، اسلیمی و ختایی از سه شکل هندسی مثلث، مربع و دایره تبعیت می کنند. در واقع علاوه بر سطوح مرئی، سطوح کلی تر وجود دارند که بخشی از نقش را در خود جای داده اند که به وضوح در نقش دیده نمی شود و به کمک خطوط راهنمای نقش مشخص اند.

ترکیب بندی

در تمامی نقوش اسلیمی، ختایی و هندسی ترکیب بندی ها بر اساس محورهای عمودی، افقی و به صورت قرینه است که برخی از این نوع نقوش، متناسب با قرارگیری در شبکه های هندسی مختلف، دارای یک یا دو محور تقارن اند. در نقوش محصور شده در دایره، محور تقارن قطر دایره است که بر حسب تقسیم بندی دایره به درجات مختلف، می تواند محور تقارن هر کدام از این قطرها باشد. در اهمیت ترکیب متقارن در نقوش می توان، این گونه بیان کرد که یک ترکیب متقارن در دو سوی یک محور عمودی، ترکیبی است مذهبی و عرفانی؛ زیرا محور عمودی که بر میان ضلع پایینی اصلی قرار می گیرد، نیروهای دو طرف راست و چپ را به سوی خود می کشد و در جهت بالا و میانه ضلع بالایی رهنمون می کند، در این حالت قاب اثر هنری از آنچه که هست به سوی بالا، کشیده تر حس می شود و بیننده صعودها نیروها را به معبود احساس می کند (سری و آژند، ۱۴۰۰).

کیفیات بصری

تناسب: تناسب یکی از اصول اولیه اثر هنری است که رابطه هماهنگ میان اجزای آن را بیان می‌کند و رابطه نسبی و قیاس بین اجزای مختلف و تمامی یک عنصر. سنجش میان دو چیز یک نسبت را پدید می‌آورد.

تعادل: تعادل در اجزای اثر نقش عمده‌ای دارد و در یک اثر تجسمی وجود تعادل بصری ضروری است. تعادل به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف) تعادل متقارن: به کار گرفتن تعادل قرینه ساده‌ترین روش برای ایجاد تعادل بصری است. زیرا همه چیز نسبت به محورهای افقی، عمودی و مورب که از وسط اثر عبور می‌کنند؛ سنجیده می‌شوند. تعادل قرینه کاملاً طبیعی است و به راحتی قابل درک می‌باشد.

ب) تعادل غیرمتقارن: ایجاد تعادل بصری بر اساس فاصله عناصر و شکل‌ها نسبت به محورهای افقی، عمودی و مورب در وسط کادر تعیین نمی‌شود؛ بر اساس اندازه، جهت، تیرگی، روشنی، رنگ، بافت و جای آن‌ها نسبت به یکدیگر و نسبت به کادر مشخص می‌شود. در هنر معاصر با پیچیده‌تر شدن نگاه مخاطبان آثار، بیشتر از تعادل غیرمتقارن بهره گرفته می‌شود.

حرکت: حرکت به معنای تغییر و جابه‌جایی در مکان و در زمان است. اما این معنا، بیشتر به حرکت مکانیکی اطلاق می‌شود. حرکت، به عنوان یکی از مظاهر حیات در هنر نیز کاربردهای خود را دارد. نمایش حرکت در هنر تجسمی با تکرار و توالی یک شکل یا یک حالت به وجود می‌آید و معمولاً، نمایشگر نوعی ریتم (ضرب آهنگ) است. در همین حال، اشکال کشیده عمودی و افقی و خطوط مداوم و جهت‌دار و نیز تکرار آن‌ها، به دلیل هدایت نگاه از سمتی به سمت دیگر، می‌توانند بیانگر حرکت بصری باشند. حرکت‌ها توسط کنش و واکنش امکانات فیزیکی و روانی ما کنترل می‌شوند. ابتدا چشم ذهن ما می‌بیند و سپس قضاوت می‌کند.

ریتم: در هنرهای تجسمی ریتم معنای تصویری دارد و عبارت است از تکرار، منظم و متوالی. انتقال احساس حرکت نیز توسط ریتم بصری صورت می‌گیرد. ریتم یک پروسه تکرارشونده و شامل تکرار منظم و هماهنگ عناصر طبیعی و تجسمی است که بر اساس عوامل بی‌شمار و ریاضی دسته‌بندی می‌شود. ریتم و حرکت دو عنصر لاینفک می‌باشند و حرکت ناشی از ریتم است.

تباين (کنتراست): تفاوت درخشندگی رنگ در اشیاست؛ که باعث تمایز آن‌ها یا تصویرشان از یکدیگر می‌شود. یکی از اصل‌های پایه‌ای رشته‌های گوناگون هنر است. کنتراست به معنای تضاد، تباين و کشمکش متقابل میان عناصر و کیفیت بصری است و ارتباط منطقی و در عین حال، متضادی را میان اجزا و عناصر مختلف یک اثر هنری بیان می‌کند (فرازمند و همکاران، ۱۳۹۸).

پیشینه پژوهش

یافته‌های تحقیق مریخ و همکاران (۱۴۰۱) تحت عنوان مطالعه‌ای در اصول قابل کاربست گره‌های هندسی اسلامی در گرافیک محیط شهری نشان می‌دهد استفاده از گره‌های هندسی ایرانی اسلامی برای گرافیک محیط شهری در بعد کالبدی می‌تواند موجب ایجاد نظم و آرامش بصری، زیبایی و ارتقای کیفیت بصری در بعد اجتماعی موجب ارتقای فرهنگ تجسمی شهروندان، توسعه آثار و تجارب تجسمی، ایجاد تنوع و سرزندگی فضاهای شهری، آموزندگی و پرورش ذهن و در بعد معنایی موجب

خوانایی و ایجاد هویت، هویت بصری و تشخیص بخشی به فضاهای شهری و در بعد محیطی موجب ایجاد یکپارچگی و پیوستگی و انعطاف پذیری گردد.

زمانی لنجانی (۱۴۰۱) در تحقیقی تحت عنوان کاربرد یک قضیه هندسی از خیام در ترسیم نقش چهار ترنج نتیجه گرفت ترنج، از نقش های کهن اسلامی و ایرانی است که برای تزیین آثار به کار می رفته است. این نقش معمولاً لوزی یا بادامی شکل و گاه چهارگوش و بیضی است و غالباً در وسط زمینه قرار می گرفته و داخل آن با برگ و گل و طرح های اسلیمی یا تصویری از حیوان و انسان پر می شده است. زمانی که این نقش چهار بار در کنار هم تکرار شود، به چهار ترنج تبدیل می گردد که اهمیت این نقش مایه ها در تاریخ هنرهای تجسمی به عنوان آرایه های معماری دارای بسیار است.

در راستای پژوهش سری و آژند (۱۴۰۰) با بررسی کاربرد نقوش در گرافیک معاصر با نگاهی به نقوش مسجد جامع اصفهان مجموعه نقوش به کار رفته در این مسجد که شامل نقوش هندسی، اسلیمی و خطایی هستند. از لحاظ ساختار مبانی هنرهای تجسمی (نقطه، خط، سطح، تناسب، ترکیب بندی و اندازه) و انرژی های حاکم بر آن ها بررسی شدند. و نتیجه بر آن شد که این نقوش که توسط هنرمندان مسلمان با رعایت اصول مبانی هنرهای تجسمی پی ریزی شده اند، دارای ضابطه های منطقی همراه با ابداع و خلاقیت ذهنی آفریننده آن است که می تواند بخشی از فرهنگ و تمدن ایران را نمایان کند و در مقابل بخشی از نیازهای گرافیک امروز را برطرف کند.

یافته های پژوهش عوض نژاد و شیبانی (۱۴۰۰) تحت عنوان مطالعه و بررسی رنگ در معماری مسجد نصیرالملک شیراز نشان می دهد که پالت رنگ غالب در بنا فام های گرم است، موضوعی که تا پیش از آن در معماری مذهبی چندان رایج نبود و مسجد نصیرالملک شیراز به دنبال ساختار شکنی در پالت رنگی بناهای مذهبی بوده است که این مهم سبب افزایش غنای حسی و دیداری معماری مسجد شده است.

فرازمند و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله ای با بررسی و تحلیل تزیینات آجرکاری مساجد مراغه بر مبنای مبانی هنرهای تجسمی دریافتند که در تزیینات آجرکاری مساجد مراغه تعادل، ریتم و تقارن بسیار استفاده شده و گاهی، تناسب و حرکت نیز در این تزیینات به چشم می خورد؛ که سبب شده است، حس ایستایی و وحدت باطنی و نامریی و قدسی را در نمای مساجد القا کند. در حالی که از اصل تباین و کنتراست در تزیینات بهره گیری نشده، تا تنش و عدم ثبات و تضاد به بیننده بنا منتقل نشود.

روش تحقیق

این پژوهش از جهت بررسی شاخصه های بهره گیری از مبانی هنرهای تجسمی در طراحی معماری های ایرانی جز تحقیقات کاربردی است. روش مطالعه تجزیه و تحلیلی کتابخانه ای- مروری است که برای گردآوری اطلاعات از مقالات، کتب، پایان نامه ها و پایگاه های اینترنتی معتبر در این حوزه بهره گرفته ایم.

یافته‌ها

ردیف	نویسنده/ نویسندگان	موضوع	سال انتشار	یافته‌ها
۱	طاهری دمنه، مجلسی کوپائی و طغیانی	نگاهی بر ارتباط بین تناسب در نظام آفرینش با تناسبات معماری در بناهای تاریخی اسلامی ایران	۱۴۰۲	عدالت در معماری و شهرسازی به توازن و تناسب همه جانبه و فراگیر تعریف می‌شود و رعایت تعادل یعنی زیبایی به معنای واقعی آن. معماری و شهرسازی عدالت‌محور یعنی انتظام و تناسب همه‌جانبه توأم با زیبایی که محیط‌های انسان ساخت را به سوی تعادلی پایدار سوق می‌دهد. بنابراین اگر معماری و شهرسازی از رعایت عدالت و تناسب تخطی کند، زیبایی و تعادل پایدار خود را از دست خواهد داد. همان گونه که طبیعت و عناصر طبیعی با قانونمندی حاکم بر خود هر سازی را که در سر ناسازگاری داشته باشد به جای خود می‌نشانند. بنابراین در معماری هندسه، تناسبات عدل و تقدیر خدایی و تجلی حسن اوست که هنرمند آن را بازتابش داده است. عدالت در معماری و شهرسازی به تناسب و توازن همه‌جانبه و فراگیر یعنی تناسب کمی و مناسبات کیفی تعبیر می‌شود.
۲	یوزباشی، حسینی و چارئی	شناسایی هنرهای تجسمی و تصویری موثر بر دیوارنگاه‌های بناهای مذهبی عصر قاجار (مطالعه موردی: تکیه معاون‌الملک کرمانشاه)	۱۴۰۱	دیوارنگاره‌های بناهای مذهبی عصر قاجار ویژگی‌های تصویری، مفاهیم و مضامین خود را از برخی جریان‌های گذشته یا هم‌زمان و موازی وام گرفته است. این اجزای اقتباس شده از جاهای دیگر، در ساختار و ترکیبی بدیع به گونه‌ای آمیخته شده که یک سبک مردمی را پدید آورده است. این آثار مجموعه‌ای از هنرهای تجسمی و تصویری، هنرهای نمایشی و ادبیات در هم ادغام شده‌اند. هنر تصویری پیش از اسلام و نقش جهان اساطیری در آن، نقاشی روی کاشی، شمایل‌نگاری مکتب زند و قاجار و نقش نقاشی درباری در آن، تصویرسازی صنعت چاپ سنگی، همگامی با عکاسی، نقاشی پشت شیشه، نقاشی خیالی‌نگاری، هنرهای تجسمی و تصویری کشورهای غربی، نقوش هندسی در هنرهای سنتی، نگارگری عصر صفوی و همگامی با خوشنویسی از هنرهای تجسمی و

				تصویری هستند که بر دیوانگاره ها تاثیر گذاشته اند.
۳	محمودی نسب، موسوی حاجی، کوهستانی و خدادوست	بررسی معماری و تزیینات آرامگاه حسام الدوله بیرجند	۱۴۰۱	تزیینات عمده آرامگاه حسام الدوله مربوط به تزیینات آئینه کاری و گچبری است و تزیینات اندک آجرکاری در ایوان ورودی آرامگاه به کار رفته است. هنر گچبری هرچند در تزیینات معماری ایران دارای پیشینه طولانی است و هنر آینه کاری از دوره صفوی در ایران رواج دارد، با این وجود این تزیینات در دوره قاجار تحت تاثیر هنر غرب قرار می گیرد. آینه کاری این آرامگاه هرچند در یک فضای محدود است، با این وجود دارای تنوع زیادی به ویژه در نقوش گیاهی و هندسی به کار رفته است. و نقوش گلدانی و گل و مرغ که یکی از نقوش پرکاربرد دوره قاجار را می توان در آئینه کاری این بنا دید، علاوه بر قطعات کوچک و برش خرد آینه که به صورت اشکال هندسی همچون مربع، لوزی، مثلث و یا مستطیل است، در بعضی از قسمت های بنا قطعات بزرگ آینه که اطراف آن با اشکال مختلف تزیین شده است، مشاهده می شود.
۴	شیشه بری، احمدی و صالحی کاخکی	نگاهی به مرمت های انجام شده در کتیبه های نوشتاری آثار معماری دوره اسلامی ایران از دیدگاه مبانی نظری مرمت و مبانی هنرهای تجسمی	۱۴۰۰	در تبیین یافته ها می توان به شیوه های مرمت خنثی (اجرای گچ زبره و یا رنگ گذاری خنثی)، بازسازی کامل و بازسازی با تکنیک های متفاوت از اصل اثر و خواناسازی، اشاره کرد. با اینکه تلاش بر این بوده که در رویارویی با این اثر ارزشمند، روش های اتخاذ شود که با مبانی و اصول مرمتی سازگار باشد و در بیشتر موارد، عملیات مرمت کتیبه ها زیر نظر کارشناسان و متخصصان امر مرمت انجام شده، اما در بسیاری موارد مرمت های سلیقه ای و بعضی اشتباه دیده شده و اصولی مانند حفظ اصالت، یکپارچگی، زیبایی شناسی در نظر گرفته نشده و رعایت مبانی هنرهای تجسمی در کنار مبانی نظری مرمت، برای حفظ اثر هنری دیده نشده است. توجه به وجه زیباشناختی خوانایی و یکپارچگی کتیبه ها یک ضرورت است، زیرا در صورت عدم آگاهی از ویژگی های هنری کتیبه ها و مقوله

			خط و خوشنویسی در سبک‌های هر دوره تاریخی، به اصالت کتیبه، خدشه وارد می‌شود. از آنجا که هنر خوشنویسی دارای ارزش بصری و هم ارزش کلامی و مضمونی است، بنابراین توجه و رعایت اصول و مبانی هنرهای تجسمی در کنار امر مرمت آثار تاریخی در راستای جلوگیری از مرمت‌های سلیقه‌ای و گاهی نادرست، اهمیت می‌یابد.
۵	دبستانی رفسنجانی و رضایی	شناخت و بررسی عناصر طراحی در معماری داخلی	۱۴۰۰ در رشته معماری داخلی، به عنوان یک حرفه و تخصص کاربردی با رویکرد فنی، نگاهی هنرمندانه به موضوع طراحی وجود دارد. در این تحقیق از دیدگاه رایج به پرتکرار به طراحی نگریسته شد. دیدگاهی که طراحی را به دو زیر مجموعه تشکیل دهنده اصلی تقسیم می‌کند؛ عناصر و اصول. از مطالعه منابع چنین برمی‌آید که عناصر طراحی مؤلفه‌های محسوس و قابل اندازه‌گیری طرح هستند، در مقابل اصول طراحی مفاهیم انتزاعی هستند که به عنوان قواعدی پذیرفته شده، کاربرد عناصر طراحی را کنترل می‌کنند. به بیان دیگر عناصر به مثابه واژگان زبان طراحی و اصول را به مثابه دستور زبان یا قوانینی که برای استفاده از واژگان (عناصر) به کار گرفته می‌شود.
۶	موسوی	بازشناخت مفاهیم و مبانی زیبایی‌شناسی هنرهای تجسمی بر اساس آموزه‌های مسیحی در معماری گوتیک	۱۴۰۰ هنر گوتیک در ادامه هنر رومانسک پدیدار شد و از تکنیک‌هایی از جمله کاسته شدن از وزن دیوارها، امکان مرتفع‌تر شدن کلیساها، وسعت دادن به پنجره‌ها، توسعه یافتن صحن اصلی کلیسا، اجرای گنبدهایی بر اساس طرح‌های غیرمربع و به کار بردن پشت بندهای باز در بنا استفاده شده است. هر کدام از این موارد فوق، علاوه بر جنبه‌های تکنیکال، ناظر به اجرای ایده‌های زیبایی‌شناسی و اعتقادی نیز می‌باشد. این نوآوری‌ها به معماری این امکان را می‌داد که بیانگر حالت استعلایی و نگرش روحانی قرون وسطا باشد. کم شدن وزن دیوارها نوعی ماده‌زدایی بود که امکان صعود و سربرکشیدن بنا به سوی آسمان را فراهم می‌کرد و یا

			پنجره‌های شیشه‌ای گسترده، بیانگر دیدگاه فلوطین و دیونوسیوس مجعول در باب تاکید بر نور به عنوان زیباترین و والاترین زیبایی غیر زمینی بودند.
۷	خانجان	بازتاب نقش اسلام (مذهب شیعه) در شکل‌گیری تزیینات مسجد جامع دوره صفویه در شهر اصفهان (تزیینات مسجد جامع اصفهان)	۱۳۹۹
			در تزیین اسلامی چه بر روی بناها هر نقش‌مایه جزئی از کل است و یا تاثیر متقابل و روی هم قرار گرفتن انواع طرح‌ها و مواد مختلف حاصل می‌شود و هر کدام از آن‌ها ماهیت خود را در درون کل نشان می‌دهند. تزیینات به ظاهر ساده، اما بعضاً بسیار پیچیده و و پرکاربرد هندسی که معمولاً یا به صورت منفرد و بر سطح آثار، روی دیوارها، سقف و کف بناها و یا در ترکیب هماهنگ با دیگر طرح‌های سنتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. از مهم‌ترین ویژگی‌های عمده تزیینات در دوره صفوی، می‌توان به تبعیت از قاعده‌های تقارن، انعکاس، تکرار و نظم هندسی اشاره کرد که حرکت با زمان و مکان را در وحدتی ادغام می‌کند که تالایتناهی در فضا بسط می‌یابد. در اکثر بناهای دوره صفویه، چنین نظم هندسی را در کنار تزیینات دیگر به سادگی می‌توان یافت. نظمی که کثرت و وحدت را در نظام آفرینش و در مجموعه‌ای ساخته دست انسان با الهام از طبیعت به نمایش می‌گذارد.
۸	نجفقلی‌پور کلانتری، اعتصام و حبیب	بررسی هندسه و تناسبات طلایی در معماری ایرانی (نمونه مطالعاتی: خانه‌های سنتی شهر تبریز)	۱۳۹۶
			یکی از جالب‌ترین ویژگی‌های هندسی بسیاری از بناهای تاریخی، وجود تناسبات طلایی در آن‌ها است. با این حال بسیاری از بناهای تاریخی موجود در کشورمان تاکنون به لحاظ هندسی مورد بررسی دقیق قرار نگرفته‌اند. معماری ایرانی همیشه بر زیبایی تاکید داشته است و ایرانیان سعی کرده‌اند در ابعاد ساختمان تناسباتی را به کار گیرند که انعکاس کیهانی را بر روی زمین متجلی کنند. از طریق تحلیل هندسی بناهای سنتی ایران می‌توان نشان داد که، از تناسبات نظیر نسبت زرین به صورت گسترده‌ای در معماری ایران مانند طراحی پلان‌ها، مقاطع، الگوهای معماری و هندسی و

ویژگی های سازه ای و مکانیکی استفاده شده است. همچنین نتایج نشان داد که هندسه و تناسبات که در بسیاری از اشکال حیات در طبیعت یافت می شوند، به طور استنادی توسط معماران سنتی ایرانی به کار گرفته شده تا یک شیوه معماری سنتی ساخته شود که حاکی از روش های طراحی درست و مهندسی صحیح باشد.				
---	--	--	--	--

بحث و نتیجه گیری

هنرهای تجسمی که هنرهای بصری نیز نامیده می شوند؛ یعنی ادراک و احساسات توسط انسان، بیشتر از طریق حس بینایی انجام می گیرد؛ اگرچه حواس دیگر نیز در درک و ادراک این گونه هنرها سهم دارند. عناصر بصری که در هنرهای تجسمی شامل نقطه، خط، سطح، حجم، نور، شکل و رنگ و بافت می باشد در واقع با توجه به کیفیت بصری مثل تعادل، تناسب، تباین، حرکت و ریتم ترکیب بندی شده و سبب خلق زیبایی و نظامی خوشایند می شوند. هنرهای بصری یکی از زنده ترین و گویاترین زبان ها می باشند که قبل از قرن نوزدهم به طور خاص به نقاشی، طراحی، مجسمه سازی، معماری و گرافیک می توان اشاره کرد. کیفیت بصری مثل تناسب که یکی از اصول اولیه اثر هنری است؛ رابطه هماهنگ میان اجزای آن را بیان می کند. تعادل در اجزای اثر نقش عمده ای دارد و در یک اثر تجسمی وجود تعادل بصری ضروری است. حرکت به معنای تغییر و جابجایی در مکان و زمان بوده و ریتم در هنرهای تجسمی عبارتند از تکرار، منظم و متوالی معناهای تصویری و در آخر کنتراست هم همان تفاوت درخشندگی رنگ در اشیا است که باعث تمایز آن ها یا تصویرشان از یکدیگر می شود. بنابراین بر اساس یافته های مقالات انجام گرفته در این حوزه می توان بیان کرد که معماران می توانند با بهره گیری از عناصر مبانی بصری و ترکیب بندی آن با توصیفات بصری ذکر شده در بالا خلاقیت و زیبایی شناختی را در طراحی ساختمان ها افزایش ببرند. همچنین بهره گیری از این اصول در مرمت ساختمان های قدیمی می تواند از ایجاد تغییرات خودساخته جلوگیری کرده و ساختمان را در همان حالت درست خود حفظ نماید.

منابع

- ابراهیمی، غلامرضا (۱۴۰۲). طراحی مرکز آموزش هنرهای تجسمی کرج با رویکرد گسترش خلاقیت. پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه مهندسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت.
- ابوالقاسمی، منا (۱۳۹۶). بررسی شاخصه های گرافیکی کتیبه ها و نقوش آجری و گچی مسجد جامع برسیان- پروژه عملی: طراحی اسماء الحسنی براساس کتیبه های مسجد جامع برسیان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- احمدیان حسینی، بی بی حوریه (۱۴۰۰). واکاوی مفهوم زیبایی در معماری و رابطه آن با معناداری محیطی از منظر تفاوت های ادراکی طراح و کاربر. پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه معماری، موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی کرمانشاه.

- اسمی، رویا (۱۴۰۲). بررسی و تحلیل نقوش تزئینی جانوری در آثار شاخص معماری و هنری عصر صفویه (مورد مطالعه: خاستگاه و پایتخت های صفویان). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی.
- حلیمی، محمد حسین (۱۳۸۳). اصول مبانی هنرهای تجسمی زبان، بیان، تمرین. تهران: احیا کتاب.
- خانجان، میثم (۱۳۹۹). بازتاب نقش اسلام (مذهب شیعه) در شکل گیری تزئینات مسجد جامع دوره صفویه در شهر اصفهان (تزئینات مسجد جامع اصفهان). فصلنامه پژوهش های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی، ۳(۶۷)، ۴۹-۵۴.
- دبستانی رفسنجانی، اکبر و رضایی، محمد (۱۴۰۰). شناخت و بررسی عناصر طراحی در معماری داخلی. نشریه معماری و شهرسازی آرمانشهر، شماره ۳۴، ۱۱۵-۱۲۹.
- رضوی، فاطمه سادات و عبداللهی فرد، ابوالفضل (۱۳۹۴). لزوم بیان مبانی و اصول هنرهای تجسمی در طراحی داخلی. اولین کنفرانس بین المللی هنر، صنایع دستی و گردشگری.
- زمانی لنجانی، اکبر (۱۴۰۱). کاربرد یک قضیه هندسی از خیام در ترسیم نقش چهار ترنج. دو فصلنامه مطالعات بین رشته ای هنرهای تجسمی، ۱(۱)، ۱۰۷-۱۱۷.
- سری، فهیمه و آژند، یعقوب (۱۴۰۰). کاربرد نقوش در گرافیک معاصر با نگاهی به نقوش مسجد جامع اصفهان. پژوهشنامه گرافیک و نقاشی، شماره ۶، ۶۸-۸۴.
- شیشه بیری، طاهره؛ احمدی، حسین و صالحی کاخکی، احمد (۱۴۰۰). نگاهی به مرمت های انجام شده در کتیبه های نوشتاری آثار معماری دوره اسلامی ایران از دیدگاه مبانی نظری مرمت و مبانی هنرهای تجسمی. نشریه علمی معماری اقلیم گرم و خشک، ۹(۱۳)، ۲۳-۳۹.
- صادقی، سما (۱۳۹۵). طراحی موزه خط و انجمن خوشنویس رشت با رویکرد اصول و مبانی هنر خوشنویسی با فرم موزه. پایان نامه کارشناسی ارشد، پردیس دانشگاهی، دانشگاه گیلان.
- طاهری دمنه، مجید؛ مجلسی کوپائی، ابودر و طغیانی، شیرین (۱۴۰۲). نگاهی بر ارتباط بین تناسب در نظام آفرینش با تناسبات معماری در بناهای تاریخی اسلامی ایران. فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، ۱۸(۶۹)، ۳۲۲-۳۴۲.
- عوض نژاد، فرهاد و شیبانی، حمیدرضا (۱۴۰۰). مطالعه و بررسی رنگ در معماری مسجد نصیرالملک شیراز. نشریه علمی مطالعات در دنیای رنگ، ۱(۱)، ۲۳-۳۴.
- فرازمند، پروین، پاکدل فرد، محمدرضا، جمالی، سیروس، و ستاری ساربانقلی، حسن. (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل تزئینات آجرکاری مساجد مراغه بر مبنای مبانی هنرهای تجسمی. مبانی نظری هنرهای تجسمی، ۸(۱)، ۱۲۵-۱۴۰.
- فرازمند، پروین؛ پاکدل فرد، محمدرضا؛ جمالی، سیروس و ستاری ساربانقلی، حسن (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل تزئینات آجرکاری مساجد مراغه بر مبنای مبانی هنرهای تجسمی. نشریه مبانی نظری هنرهای تجسمی، شماره ۸، ۱۲۵-۱۴۲.
- فیروز، امیرمسعود (۱۴۰۱). طراحی مرکز آفرینش هنرهای بصری با رویکرد ارزش دهی به موسیقی مقامی قوچان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، موسسه آموزش عالی خاوران.

- قاسمیان، زهره (۱۳۹۷). تاثیر متقابل نقوش سنتی فرش بر تزیینات و آرایه های معماری (با تاکید بر نقوش خانه های قاجار در یزد). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد.
- محمودی نسب، علی اصغر؛ موسوی حاجی، سید رسول؛ کوهستانی، حسین و خدادوست، جواد (۱۴۰۱). بررسی معماری و تزیینات آرامگاه حسام الدوله بیرجند. نشریه هنرهای صناعی خراسان بزرگ، شماره ۲، ۹۳-۱۰۹.
- مدیرشانه چی، فرزانه (۱۳۹۲). معماری داخلی و نقش عناصر و مولفه های هنرهای تجسمی در آن. سومین همایش معماری داخلی و دکوراسیون .
- مریخ، لیلی؛ نژاد ابراهیمی، احد؛ عوافی کریمی، طاسین و یعقوب زاده، آزاده (۱۴۰۱). مطالعه ای در اصول قابل کاربری گره های هندسی اسلامی در گرافیک محیط شهری. فصلنامه معماری سبز، ۸(۳)، ۳۷-۵۰.
- موسوی، سید محسن (۱۴۰۰). بازشناخت مفاهیم و مبانی زیبایی شناسی هنرهای تجسمی بر اساس آموزه های مسیحی در معماری گوتیک. فصلنامه الهیات هنر، شماره ۱۹، ۸۲-۱۰۷.
- نجفقلی پور کلانتری، نسیم؛ اعتصام، ایرج و حبیب، فرح (۱۳۹۶). بررسی هندسه و تناسبات طلایی در معماری ایرانی (نمونه مطالعاتی: خانه های سنتی شهر تبریز). نشریه مدیریت شهری، شماره ۴۶، ۴۷۷-۴۹۱.
- نقوی، عرفان (۱۴۰۲). تحلیل فرم و رنگ در نقاشی های کودکان گروه ب کانون پرورش فکری مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر، موسسه آموزش عالی فردوس.
- نیکو، نیلوفر (۱۳۹۹). طراحی باغ موزه هنرهای تجسمی در شهر تهران با تلفیق اصول معماری سنتی و مدرن. پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه معماری، موسسه آموزش عالی راهبرد شمال.
- یوزباشی، عطیه؛ حسینی، سیدرضا و چارثی، عبدالرضا (۱۴۰۱). شناسایی هنرهای تجسمی و تصویری موثر بر دیوارنگاه های بناهای مذهبی عصر قاجار (مطالعه موردی: تکیه معاون الملک کرمانشاه). نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۱۹(۴۶)، ۴۹۰-۵۱۶.
- یوسف نژاد بارفروش، نقی (۱۳۹۶). نقش اصول هنرهای تجسمی در خلق وحدت اندام وار پروتزه های کامل دندان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران.

Conway, Desiree. (2019). Benefits of Implementing Visual Arts for Elementary School Students. Capstone Projects and Master's Theses. 666. 1-7.

Javaheri Pour, Iman. Abbasi. Effat. Kian, Marjan. And Hasanpour, Mohsan. . (2021). A Comparative Study of Primary School Visual Arts Curriculum in Australia, Canada, Iran and Ireland. Iranian Journal of Comparative Education. 4(2). 1096.